بسمه تعالی

تنبیهات حول المبدا والمعاد

مولف :ایت ا...حسنعلی مروارید

فضای فکری و علمی

مکتب تفکیک

مکتب تفکیک یکی از نظریات اسلامی است که در مشهد ایجاد شده است بنیان گذاران این مکتب بر این باورند که می بایست میان روش های مختلف معرفت شناختی هستند انان به شدت به روش های معرفت شناختی ملاصدرا می تازند و روش های او را موجب خلط روش شناختی می دانند یکی از معروفترین ایشان سید موسی زر ابادی است این مکتب مکتبی در علوم مذهبی است که پیروانش بر تفکیک اموزه های فلسفی از روش های دین شناسی تاکید می کند این مکتب منتج از اموزه های میرزا مهدی اصفهانی در سال 1340 در مشهد شکل گرفت و در گذشته به این نام خوانده نمی شد، به مکتب خراسان معروف بود و اولین بار توسط محمد رضا حکیمی طی مقاله ای با همین نام در شماره 12سال نهم کیهان فرهنگی دراسفند 1371معرفی شد و شهرت گرفت.تفکیکون جریان غالب در حوزه مشهد را تشکیل می دهند یکی از اتهاماتی که مخالفین این مکتب به آن وارد می کنند اخباری گری است در حالی که فقهای این مکتب کاملا گرایش اصولی دارند طرفدارن این مکتب ان را یک پدیده نو ظهور می دانند بلکه مدعی هستند که این طریقه سلف این طریقه سلف صالح شیعه مانند ثقة الاسلام کلینی شیخ صدوق ،شیخ طوسی و سائر فقها و مجتهدین و محدثین از قدمای شیعه است.درباره مکتب تفکیک در سال های اخیر کتاب های چندی نوشته و منتشر شده است برخی تنها به بیان سرگذشت و برخی دیگر به تحلیل مکتب اقدام کردند و در سال 1387هم کتاب الهیات الهی در این راستا از حکیمی انتشار یافت.غیر از افراد یاد شده ایت الله شیخ هاشم قزوینی و شیخ مجتبی قزوینی و میرزا حسنعلی مروارید صاحب کتاب تنبیهات حول المبدا و المعاد نام برد در حال حاضر زعامت این مکتب با ایت الله سید جعفر سیدان است.

آية الله حاج ميرزا حسنعلى مرواريد

معرفى مؤلف‏

آية الله حاج ميرزا حسنعلى مرواريد، هشتم شوال 1329 ق. در مشهد مقدس به دنيا آمد. پدر ايشان حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ محمد رضا مرواريد( 1299- 1338 ق.) از عالمان وارسته مشهد بود و با عالم ربانى آية الله حاج شيخ حسنعلى اصفهانى نخودكى رابطه مودت و عقد اخوت داشت. شهرت« مرواريد» در خاندان ايشان، با يكى از مشهورترين رجال تاريخ ادب و هنر خوش‏نويسى، خواجه شهاب الدين عبد الله مرواريد كرمانى( 865- 955 ق.) آغاز مى‏شود. عموى آية الله مرواريد، حاج شيخ على اكبر مرواريد نيز از علما و شاگردان محقق بزرگ، آية الله آخوند محمد كاظم خراسانى بوده است. جد مادرى ايشان، عالم ربانى و صاحب كرامات، آية الله حاج شيخ حسنعلى تهرانى( متوفاى 1325 ق.) است كه از شاگردان برجسته مرجع بزرگ، آية الله ميرزا محمد حسن شيرازى و از عالمان نام‏دار قرن 14 در مشهد مقدس بوده است. نام حسنعلى، به ياد آن اسوه تقوا و نيز به احترام يار ديرين پدر و عارف بزرگ حاج شيخ حسنعلى اصفهانى نخودكى( متوفاى 1361 ق.) بر آية الله مرواريد نهاده شده است.

آية الله ميرزا حسنعلى مرواريد، در سال 1337 ق. و در اوان نه سالگى پدر را از دست داد و مطابق وصيت پدر، تحت نظارت دوست معتمد او حاج شيخ حسنعلى اصفهانى نخودكى و تربيت و تدبير مادرى وارسته و اهل تهجد( متوفاى 1360 ش.) قرار گرفت.

از همين ايام، رابطه علمى و دوستى ايشان با مرحوم آية الله ميرزا جوادآقا تهرانى( 1383- 1368 ش) آغاز شد و از آن پس ساليان متمادى و تا آخر عمر آن بزرگ؛ يعنى قريب پنجاه سال، با وى هم‏درس، هم‏بحث، همراه و هم‏گام بود.

ايشان پس از يادگيرى خواندن و نوشتن و قرائت جزء سى‏ام قرآن و كليات سعدى نزد استاد مكتب، در 13 سالگى به دليل علاقه وافر به علوم اسلامى، وارد حوزه علميه شد. در مسير دانش‏اندوزى، مقدمات را نزد حجة الاسلام شيخ احمد كافى( جد خطيب شهير مرحوم كافى)، مرحوم حجة الاسلام شمس از شاگردان شيخ محمد تقى اديب نيشابورى اول، حجة الاسلام حاجى محقق و منطق را نزد برادر ارشد استاد محمد تقى شريعتى آموخت.

 قوانين را نزد آية الله شيخ كاظم دامغانى و مكاسب را نزد آية الله حاج شيخ هاشم قزوينى( 1339 ش) فراگرفت.

برجسته‏ترين استاد ايشان، عالم ربانى و استاد معارف قرآنى، آية الله ميرزا مهدى اصفهانى( 1303- 1365 ق.) بود. ايشان علاوه بر فراگيرى مباحث تخصصى( خارج) فقه و اصول فقه( به ويژه آراى نوين آية الله شيخ محمد حسين نائينى، استاد اصولى آية الله اصفهانى)، آراى اصولى ميرزاى اصفهانى و نيز معارف اعتقادى بر پايه مكتب اهل بيت( ع) را در محضر اين استاد كم‏نظير فراگرفت و تا آخر عمر وى از محضرش در علم و عمل كسب فيض كرد. از آن پس بود كه ايشان در زمره اركان جنبش معاصر علمى حوزه خراسان در احياى روش اهل بيت( ع) در شناخت معارف اسلامى قرار گرفت، جنبشى كه بعدها به مكتب معارفى خراسان يا مكتب تفكيك شهرت يافت.

بنيان‏گذار اصلى اين جنبش، آية الله ميرزا مهدى اصفهانى در پى يك تحول روحى و شهود باطنى، از سلوك عرفانى روزگار خويش و مشرب فلسفى مرسوم روى تافت. وى با بازخوانى معارف اهل بيت( ع) در دين شناسى و رويكرد متكلمان و فقيهان شيعى در روش فهم معارف دينى، سامانى دوباره داد و صورت متكامل و جديدى را عرضه داشت. اساس اين رويكرد، استوار ساختن خدا شناسى، انسان شناسى، كيهان شناسى و سلوك معنوى بر بنيان آموزه‏هاى وحيانى قرآن و حديث، و وانهادن فرضيه‏هاى رايج فلسفه موروثى و دستور العمل‏هاى تصوف و عرفان مصطلح است. وى پس از اخذ اجتهاد از استاد فقه و اصول خود، آية الله نائينى از نجف رهسپار مشهد گرديد.

در آن‏جا با غلبه علمى بر مخالفان مشى خويش و جانبداران عرفان صوفيانه و فلسفه رايج، سفره درس خويش را براى شاگردان خويش كه برخى از مخالفان ديروز او بودند گسترد و آنها را با عمق مبانى خود آشنا كرد.

آية الله مرواريد يكى از اين شاگردان بود كه با كمى سن در كنار انبوه شاگردان و بزرگانى همچون استاد خود آية الله حاج شيخ هاشم قزوينى و نيز آية الله حاج شيخ مجتبى قزوينى و آية الله حاج شيخ كاظم دامغانى پاى درس ميرزا مى‏نشست.

آية الله مرواريد مدتى پس از فوت استاد خويش ميرزا مهدى اصفهانى، به تدريس خارج فقه و معارف دينى پرداخت و قريب چهل سال بسيارى از دانشوران علوم و معارف اسلامى را از دروس و بيانات علمى خود بهره‏مند ساخت. در تدريس خارج فقه، هفته‏اى يك روز به شرح احاديث اخلاقى مى‏پرداخت. اينك بسيارى از اين شاگردان، خود عالمانى برجسته و وارسته‏اند و مشغول تدريس دروس خارج فقه و اصول و اداره مؤسسات بزرگ پژوهشى علوم اسلامى هستند. برخى از اعضاى مجلس خبرگان رهبرى، نمايندگان ولى فقيه در استان‏ها و امامان جمعه نيز از جمله شاگردان ايشانند.

آن فقيد سعيد تسلطى كم‏نظير بر معارف اهل بيت( ع) و تبحرى چشم‏گير در تفسير روايات و فقه الحديث داشت. اين تبحر، ايشان را در فقه و كلام بلند آوازه ساخته بود. بيشترين شهرت علمى ايشان، در تبيين و توضيح معارف كلامى- اعتقادى و ضوابط دين شناسى در مكتب اهل بيت( ع) به سبك استاد خويش است.

سرانجام ايشان در سن 96 سالگى در شامگاه سه‏شنبه نوزدهم شعبان المعظم 1425 قمرى برابر با چهاردهم مهر 1383 ش، درگذشت.

تنبيهات حول المبدأ و المعاد

معرفى كتاب‏

« تنبيهات حول المبدأ و المعاد»، اثر آية الله حاج ميرزا حسنعلى مرواريد، كتابى است که موضوع ان الهیات و معاد می باشد به زبان عربى در معرفى عقايد شيعه با استفاده از قرآن و روايات اهل بيت( ع).این کتاب برای اولین بار در سال 1416هجری قمری در یک جلد به چاپ رسید و در سال 1418برای بار دوم به چاپ رسید.

اين كتاب، خلاصه‏اى از درس‏هاى معارف ايشان است كه در دوره‏هاى متعدد به تدريس آنها پرداخته بود و بنا به خواهش تنى چند از شاگردان خويش، آن را به صورت كتابى مستقل به رشته تحرير درآورد.این کتاب مشتمل بر امور اعتقادی است که ارتباط وثیقی با معرفت ا... تعالی دارد و همچنین مرتبط است با معرفت نفس که موجب معرفت ا... می شود و معرفت اینکه از کجا امده و در کجاست و به سوی کجا روانه می شود .این کتاب با در برداشتن ایات مبارکه قران و روایات معصومین علیهم السلام دو هدف را دنبال می کند 1- استفاده و کمک گرفتن از ایات و روایات در تبین و وضوح حقایق و اگاهی از استدلالات و براهینی که عقل به نحو استقلال به ان دست پیدا می کند.و ایات و روایات نقش موید را برای این براهین عقلی ایفا می کند .

2- استفاده از ایات و روایات و تمسک به انها در جایی که راهی برای اثبات حقائق غیر از راه وحی وجود ندارد.

ساختار كتاب‏

كتاب، مقدمه مركز پژوهش‏هاى اسلامى آستان قدس رضوى، مقدمه مؤلف و دو بخش ذيل را در بر دارد:

تنبيهاتى در سرآغاز هستی .

تنبيهاتى در سرانجام هستى.

گزارش محتوا

در اين اثر ارزش‏مند معارف اهل بيت( ع) در دين شناسى، مورد بازخوانى قرار گرفته و به رويكرد متكلمان و فقيهان شيعى در روش فهم معارف دينى، سامانى دوباره داده شده و با استفاده از معارف وحيانى قرآن و سنت معصومين( ع) صورت متكامل و جديدى از معارف دينى عرضه شده است.و با توجه به نوع تفکری که متاثر از مکتب تفکیک می باشد معارف دینی به شکل جدیدی که ایات و روایات شاکله اصلی براهین و استدلالات ان را تشکیل می دهد مباحث را بیان می کند.و تعریف جدیدی از کلمات و واژه های موجود در علم ا...شناسی بیان می کند و مخصوصا کلمات فلاسفه را نقد کرده و مطالب را با بینش برگرفته از ایات و روایات بیان می کند ودر هر مسئله ای شاهد ویا شواهدی از روایات نورانی را بیان نموده تا انجا که در این کتاب قریب به 500 حدیث برای بیان معارف و حقایق به کار گرفته شده است.

بخش اول كتاب حاضر مباحث ذيل را در بر مى‏گيرد:

ضرورت برهان، برهان در قرآن كريم، حجيت ذاتى علم و عقل، انكار يا تشكيك بعضى اخباريون در حجيت عقل، عقل و نفس از ديدگاه فلاسفه و از ديدگاه قرآن و حديث، حقيقت علم، شواهد تغاير نفس با عقل و علم، نگاهى به اقسام و تعريف علم، علم در احاديث، دو تذكر پيرامون حقيقت عقل و رابطه آن با علم، يادآورى‏هايى در باره عقل، حقيقت حكم عقل، نشانه‏هاى عقل، تجرد نور علم و عدم تجرد نفس انسانى، خود شناسى و خدا شناسى، هشدارى در گزينش راهنما، بهره عقل از معرفة الله نفى عدم و نفى تشبيه، آفريده آفريدگار مى‏خواهد، ارشاد به هستى‏آفرين، هدايت عام و خاص، قواعدى كه در آفرينش خداوند جريان ندارد، جدايى وجودى خالق و مخلوقات در آيات و روايات، دلايل نقلى وحدت وجود، سخنى در تجلى و مكاشفه، مكاشفه، سخن ملا صدرا در بيان مقصود عارفان والا مقام، شناخت فطرى، جلوه خداوند در دل موسى( ع)، ارزيابى جلوه حق، يادآورى اثر پيمان منشأ معرفت فطرى، پيمان عالم ذر و اظله، حكمت پيمان عالم ذر، دلايل نقلى تقدم ارواح بر اجساد، طاعت و عصيان انسان پيش از دنيا، شناخت فطرى به شناخت آياتى برنمى‏گردد، بروز شناخت فطرى هنگام نااميدى، اشكالات عالم ذر و پاسخ آن، كاشفيت نور علم نيازى به وجود معلوم ندارد، دلايل قائلين به جبر و پاسخ آن، دلايل جبريون، دلايل نقلى نفى جبر، معانى قضا و قدر، يادآورى تعاريف مختلف، مشيت و اراده، تعلق خواست خداوند به عمل بنده، تفويض، اثبات حالت بين جبر و تفويض، مشيت اراده قضا و قدر در افعال اختيارى، تفويض خلقت و رزق به ائمه( ع)، واگذارى سرنوشت دين به معصومين( ع)، مسئله بداء، نكاتى در توضيح حقيقت بداء.

بخش دوم حاوى مباحث ذيل است:

معاد در مكتب اهل بيت( ع)، نكاتى پيرامون معاد، دلايل عقلى و نقلى معاد، معاد روحانى و جسمانى در كلمات بزرگان، آيات معاد جسمانى، روايات معاد جسمانى، ماده اصلى آفرينش انسان، آب ماده اصلى جهان آفرينش، ماده اصلى خلقت علم و حيات ندارد، تقسيم ماده اصلى به عليون و سجين، جهان سايه‏ها و كالبدها، هر روح بدنى مناسب دارد، پيمان عالم ذر، امتحان مردم در عالم ذر، جايگاه آدم( ع)، عدم تجرد روح، استقلال روح، نقد دلايل قائلين به تجرد روح، فرق روح و بدن در عوارض آنهاست، هر ذره‏اى مى‏تواند داراى علم و ادراك شود، انسان بر جسمانيت خود باقى مى‏ماند، علم و هدايت با كفر و ظلم نابود مى‏شود، محل ارواح و بدن‏ها پس از ميثاق و قبل از دنيا، رابطه روح با بدن، بحثى در احوال روح در برزخ، تذكر و توضيح در كيفيف روح، پاسخ به دو شبهه.

وضعيت كتاب‏

كتاب حاضر، مشتمل بر پاورقى و فهرست آيات و احاديث و مطالب مى‏باشد.

کارهای انجام گرفته در باره این کتاب

متاسفانه به علت نشر محدود کتاب یا دلائل دیگری که بر ما پوشیده است درباره این کتاب کارهای تحقیقاتی و پژوهشی کمتری صورت گرفته است.

منابع کتاب

بحار الانوار ، کافی ،تحف العقول ،تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ،مجمع البحرین ،علل الشرایع ،محاسن ،خصال ،معانی الاخبار ،ارشاد القلوب،کنز الفوائد،مسترک الوسائل ،عوالی اللیالی،منیة المرید ،نهج البلاغه ،غرر الحکم، روضة الواعظین، مصباح الشریعة ،فقه الرضا ،صحیفه سجادیه ، مناجاة العارفین ، اربعین شیخ بهایی،امالی شیخ طوسی،توحید صدوق ،عیون اخبار الرضا، احتجاج ، مهج الدعوات(معروف به دعا یستشیر )المقنعه ،سنن ترمذی ،جمال السبوع ،صحیح بخاری ،مصباح المجتهد و سلاح المتعبد،بصادر الدرجات ،الکامل لابن اثیر ،روضات الجنات ، الاقبال ، صحیص محمد بن مسلم،مراة العقول ، لآلی الاخبار ،مدینة المعاجز ، روضة الکافی ،احقاق الحق،شرح منظومه ، مکاسب شیخ انصاری ،فصوص ابن عربی ،المشاعر ،فتوحات مکیه ، مفاتیح الاعجاز ، تفسیر عیاشی ،تفسیر برهان، تفسیر قمی ، تفسیر المیزان ، نهج الحق .